

# احکام و تعالیم فردی - وظائف و آداب اصحاب شور

حضرت بهاء الله



وظائف و آداب اصحاب شور

حضرت بهاء الله:

1 - " قد كتب الله على كل مدينة أن يجعلوا فيها بيت العدل ويجمع فيه النفوس على عدد البهَاء وإن ازداد لا بأس ويرون كأنهم يدخلون محضر الله العلي الأعلى ويرون من لا يرى وينبغي لهم أن يكونوا أمناء الرحمن بين الإيمان ووكلاء الله لمن على الأرض كلها ويشاوروا في مصالح العباد لوجه الله كما يشاورون في أمورهم ويختاروا ما هو المختار كذلك حكم ربكم العزيز الغفار إياكم أن تدعوا ما هو المنصوص في اللوح اتقوا الله يا أولي الأنظار " (كتاب اقدس - بند 30)

2 - " باید این نفوس حین حضور چنان ملاحظه کنند که بین یدی الله حاضر میشوند " (ص ۱۳۰ پیام ملکوت)

حضرت عبدالبهاء:

1 - " اول فریضه اصحاب شور خلوص نیت و نورانیت حقیقت و انقطاع از ماسوی الله و انجذاب بنفحات الله و خضوع و خشوع بین احباً و صبر و تحمل بر بلا و بندگی عتبه سامیه الهیه است و چون باین صفات موفق و مؤید گردند نصرت ملکوت غیب الهی احاطه نماید " (ص ۱۵ اصول نظم اداری بهائی)

2 - " اول شرط محبت و الفت تام بین اعضاء آن انجمن است که از بیگانگی بیزار گردند و یگانگی حضرت پرورگار آشکار کنند زیرا امواج یک بجزند و قطرات یک نهر. نجوم یک افقند و اشعه یک شمس. درختان یک بوستانند و گلهای یک گلستان و اگر وحدت حال و یگانگی بی ملال در میان نیاید آن جمع پریشان گردد



TABLET

و آن انجمن بی سر و سامان . و شرط ثانی آنست که رئیسی بجهت آن محفل ، اعضای انجمن بالاتحاد انتخاب کنند و دستور العمل و نظامی بجهت اجتماع و مذاکره قرار دهند و آن دستورالعمل و نظام در تحت اداره و محافظه و حمایت رئیس باشد و تنفیذ نماید و اعضاء محفل باید در نهایت اطاعت و انقیاد باشند. مکالمه حشو و زوائد در آن محفل نگردد و اعضاء در حین ورود توجه بملکوت اعلی کنند و طلب تأیید از افق ابری و در نهایت خلوص و وقار و سکون و آداب در انجمن قرار یابند و بنهایت ادب و ملایمت کلام و اهمیّت خطاب به بیان آراء پردازند. در هر مساله ای تحرّی حقیقت کنند نه اصرار در رأی زیرا اصرار و عناد در رأی منجر بمنازعه و مخاصمه گردد و حقیقت مستور ماند . ولی اعضای محترمه باید بنهایت آزادگی بیان رأی خویش نمایند و ادا جائز نه که نفسی تزییف رأی دیگری نماید بلکه بکمال ملایمت بیان حقیقت کند و چون اختلاف آراء حاصل شود رجوع باکثریّت آراء کنند و کلّ اکثریّت را مطیع و منقاد گردند و دیگر جائز نه که نفسی از اعضاء محترمه بر قرار اخیر چه در خارج و چه در داخل اعتراض نماید و یا نکته گیرد ولو مخالف صواب باشد زیرا این نکته گیری سبب شود که هیچ قراری استقرار نیابد باری هر کاری که به الفت و محبت و خلوص نیّت فیصل شود نتیجه اش انوار است و اگر ادنی اغبراری حاصل شود نتیجه اش ظلمات فوق ظلمات است . تصادم افکار و مقاومت آراء در انجمن شورا سبب ظهور شعاع حقیقت است نباید هیچیک از اعضاء متکدّر از مقاومت دیگری شود بلکه هر یک قول دیگری را با وجود مخالف بودن با رأی خویش در کمال ادب بخلوص نیّت گوش دهد و غباری در قلبش ننشیند. چون چنین گردد آن انجمن ، انجمن الهی است و الا سبب برودت و کدورت عالم شیطانی . و همچنین آن محفل رحمانی باید قطعاً بامور سیاسی که راجع بحکومت محلی است تعرض نماید حتی از امور سیاسی دم نزند . مذاکرات بتمامها محصور در امور روحانیّه باشد که تعلق باداره تربیت نفوس و تعلیم اطفال و اغاثه فقراء و اعانه ضعفاء جمیع فرق عالم و مهربانی بکلّ امم و نشر نفعات الله و تقدیس کلمه الله دارد. در این خصوص و اجراء این شروط چون همت نمایند تأیید روح القدس رسد و آن مجمع مرکز سنوحات رحمانیه گردد و جنود توفیق هجوم کند و هر روز فتوحی جدید حاصل شود ."

(ص ۸-۵۰۶ ج ۳ مکاتیب حضرت عبدالبهاء)

3 - " باید بنوعی مذاکره و مشاوره گردد که اسباب اختلافی فراهم نیاید و آن اینست که حین عقد مجلس هر یک بیکمال حرّیت رای خویش را بیان و کشف برهان نماید اگر دیگری مقاومت میکند ادا او مکدّر نشود زیرا تا بحث در مسائل نگردد رای موافق معلوم نشود و بارقه حقیقت شعاع ساطع از تصادم افکار است . در نهایت مذاکره اگر اتفاق آراء حاصل گردد فنعن المراد و اگر معاذ الله اختلاف حاصل شود باکثریّت آراء قرار دهند ... و دیگر آنکه مذاکره در محفل شور را کسی نباید نقل کند "

(ص ۴-۶۳ خصائل اهل بهاء و فرائض اصحاب شور)

4 - " اول وظیفه اعضاء الفت و اتحاد آنهاست که سبب حصول نتایج حسنه گردد اگر اتحاد نباشد یا معاذ الله سبب اختلاف شود البته نبودن آن بهتر است . اگر محفل شور یا مجلس عمومی سبب کدورت گردد باید متروک ماند... ثانی وظیفه شان تلاوت آیات و مناجات و حالت تذکر و تنبّه است چنانکه خود را بین یدی الله مشاهده نمایند. ثالث فکر و مذاکره در تبلیغ امر الله بجمیع اطراف و انکاف است و بتمام قوی باید قیام بر این امر عظیم نمایند و تعیین و ترویج لوازم تبلیغ امر الله کنند . رابع در فکر و ذکر رعایت فقرا و ضعفا و حمایت مرضا باشند. خامس اصلاح و تدبیر امور احبّاً و مسائل اخری "

(ص ۳۴۹ ج ۱ بدائع الآثار)

حضرت ولی امر الله:

1 - " عموم یاران چه در داخل و چه در خارج محفل باید محفل روحانی را نماینده خود شمردند و تقویت نمایند و ترویج اجرائاتش را کنند و همچنین اعضاء محفل روحانی باید خود را خادم مصالح عموم احبّاء دانند و مرجع مصالح روحانیّه یاران شمردند "

(ص ۵۱ منتخبات توفیعات مبارک)

2 - " احبّاً باید اعتماد و ثقّه تامّ باعضای محفل روحانی خویش داشته باشند و بتعاون و تعاضد قیام کنند و همچنین اعضاء محفل شور باید بمصالح امریّه عمومیّه ناظر باشند. ترویج مقاصد شخصی نمایند و ناظر بافکار و امیال و مصالح خویش نگردند " (ص ۶۰ منتخبات توفیعات مبارک)

3 - " باید خود را خادم امین حقیقی احبّاء الله شمردند و نظر را متوجّه و حصر در منافع عموم و مصالح امر الله نمایند نه ناظر باشخاص و متمسک بمقاصد و مآرب شخصیّه گردند " (ص ۵۰ منتخبات توفیعات مبارک)

4 - " از جهتی حفظ و صیانت امر الله را در امور جزئی و کلی مراعات تامّ نمایند و از جهتی دیگر اسباب عناد اهل بغضاء نشوند و بر خصومت و عداوت آنان نیفزایند. در مواقع مخصوصه چشم از عیوب اهل فتور پیوشند و بالعکس معامله نمایند و راه مسامحه پیش گیرند ولی بیدار و هشیار باشند تا در دام اهل خدعه و تزویر گرفتار نشوند و فریب مغرضین نخورند ."

(ص ۱۴-۵ منتخبات از توفیعات مبارک)

5 - " و همچنین اعضاء محافل روحانیّه محلی و مرکزی باید از مآرب و منافع و مصالح شخصیّه فردیه خود بیزار و در کنار باشند و نظر را حصر در ترویج مصالح جمهور و فوائد عمومیّه و پیشرفت جامعه بهائی نمایند . در امور

مفروضه موكوله تفحص و تعمق نمايند و بعدل و انصاف حكم فرمايند . در امور مرجوعه در كمال صراحت و صداقت و جديت مشورت تام نمايند و در مذاكرات و مباحثات ، كل من دون استثناء مشاركت كنند و پس از مشورت كامل متمسك به حكم اكثريت گردند و تصميمي قطعي بنمايند و پس از تصميم من دون تاخير و ترديد در تنفيذ و اجراي قرارهاي خویش همت بليغ مبذول دارند ."

(ص ۹۰ منتخبات توقيعات مبارك)

6 - " زنهار زنهار كه طرفداري جاه طلبی و تعلق بدنيا در اداره امور رسوخی نمايند زيرا بمرور زمان نورانيت آئين مقدس را ظلمانی و طهارت و تنزيهش را لگه دار و اثرات عميقه اش را فليج و معلول خواهد ساخت ."

(ص ۴۳ ج ۶ مائده آسمانی ط ۱۲۸ - ترجمه مصوب)

7 - " اعضاي اين محافل بايد بنوبه خود كاملا احساسات موافق و مخالف خود و مصالح و تمايلات شخصي خویش را ككار گذارده افكار خود را در اطراف اقداماتی كه منجر به خير و سعادت جامعه بهائی و ترويج مصالح جمهور است حصر نمايند . " (ص ۵۸ نظامات بهائی - ترجمه مصوب)

8 - " وظائف اعضاي محفل امر كردن و تحكّم نبوده بلكه مشورت است و آنهم نه تنها مشورت بين خود بلكه بايد هرچه بيشتر ممكن شود با منتخبين خود نيز مشاوره نمايند و بايد صرفا خود را بمنزله وسائلي بدانند كه براي معرفي امرالله بطور شايسته و مؤثر انتخاب شده اند آنان نبايد هرگز چنين تصور نمايند كه بمنزله زينت و زيور هيكل امرالله بوده و فطرتا از حيث استعداد و يا لياقت بر ديگران تفوق داشته و يگانه مروجين تعاليم و مبادی امرالله ميباشند و بايد با كمال خضوع بوظائف خود قيام كرده با فكري روشن و از روي نهايت انصاف و وظيفه شناسی و با صراحت و سادگی و با تعلق تام بمنافع و مصالح ياران و امرالله و عالم انسانيت چنان همتي نمايند كه نه تنها مورد اطمينان و حمايت واقعي و احترام موكلين خود واقع شوند بلكه بايد قدر شناسی و محبت قلبي آنانرا نيز جلب كنند و بايد در جميع احيان از روح تفوق و استكبار و روش استتار اجتناب نمايند و از رفتار تسلط طلبی بيزار شوند و در مشاورات خود هر گونه تعصبات و اميال شخصي را ككار گذارند و با كمال تدبر و حكمت احبا را محرم اسرار خود قرار داده طرح و نظريه خود را با آنها در ميان نهند و مشكلات و معضلات خود را در حضور آنها مطرح سازند و از آنها استشاره و مصلحت جوئی نمايند و چون موقع اخذ تصميم فرا رسد بايد از روي خلوص نيت و حسن طويت و كمال رغبت مشورت كرده و سپس باستاني الهی توجه و تبتل نمايند و با صفای قلب و ايمان كامل و شهامت تام ابدای رأی نموده و مطيع نتيجه آراء اكثريت گردند زيرا بفرموده حضرت عبدالبهاء راي اكثريت ندای حق بوده و قابل احتجاج نيست و بايد همواره با كمال ميل و اشتياق بمورد اجراء گذاشته شود. اين رأی اكثريت را بايد ياران قلبا قبول كنند و آترا يگانه وسيله صيانت و پيشرفت امرالله شمرند شوقی ربانی . " (ص ۴-۵۳ نظامات بهائی - ترجمه مصوب)

9 - " باید رأی خود را در هر امری و در هر جلسه ای در نهایت صداقت و روشنی و خیرخواهی و خضوع و خلوص ابداء و اظهار دارند و آنچه را بعد از مشورت کامل و مذاکره تام رأی اکثریت بر آن قرار گرفت بدل و جان بدون ادنی کدورت و رنجش اجرا نمایند ولو آنکه رأی اکثریت مخالف واقع و عاری از صواب باشد . چه اینست حکم صریح محکم الهی . چگونه تجاوز و انحراف از این امر منصوص جائز " (ص ۸-۶۷ خصائل اهل بهاء و فرائض اصحاب شور)

10 - " کلّ چه در داخل و چه در خارج محفل باید اطاعت و انقیاد باعضای محفل نمایند و تصویب و تأیید اجرائاتش را نمایند ولو رأی اکثریت مخالف واقع و عاری از صواب باشد " . (ص ۶۰-۵۹ منتخبات توقیعات مبارک)

11 - " فردی از افراد محفل هر قدر عظیم الشان باشد و کامل و هرچه آگاه باشد و فاضل باز رأی فرد مصاب نبوده و نخواهد بود. آن فرد قانونا باید مطیع اغلیت باشد حتی اگر از نه نفس چهار نفر بخواهند مخالفت اغلیت نمایند و بر خلاف میزان غلبه آراء عمل کنند این منافی اساس امر الله است و مخالف قوانین متینه شریعة الله . اگر چنین باشد همیشه در هر محفل و مجمعی نفوسی خود را اعلم و اعلی گویند و باوجود اقلیت مخالفت محفل نمایند و در اساس وحدت و اتحاد خلل اندازند و امر و اصحاب امر را از نفوذ و غلبه باز دارند و بمثابه احزاب قبل تشکیل فرق مختلفه نمایند زیرا اگر در امم ماضیه اشخاص خود را اعلم و اجلّ میدانستند عوام بیچاره مرید آنان نمیشدند و مایه تفرقه نمیگردیدند. پس همیشه نفوسی که خود را افضل از کلّ میدانستند سبب اختلاف گشتند ولی الحمد لله قلم اعلی این استبداد رأی افراد علما و عقلا را از میان بردند و قول افراد را ولو اعلم علما و افضل فضلا باشد میزان نفرمودند و امور را بمرکز منصوصه و محافل مخصوصه راجع نمودند. حتی هیچ محفلی را در امور کلیّه عمومیّه ممالک ، بالاطلاق مرکز قرار ندادند بل جمیع محافل مقدّسه را در ظلّ یک بیت العدل و مرکز اعظم الهی خواندند تا مرکز ، مرکز واحد باشد و جمیع در ظلّ محور منصوص مخصوص حکم یک نفس یابند و از انشقاق و تفرقه محفوظ مانند "

(ص ۴-۷۳ اصول نظم اداری)

12 - " اگر چنانچه پس از تشکیل محفل ملّی روحانی در انعقاد جلسات آن محفل و اجتماع اعضای تسعه آن و ایفای وظائف مقدّسه اش خلل و فتوری حاصل گردد البتّه انعکاس سوئی در جامعه خواهد داشت و علت وهن و تحقیر امر الله شود و اسباب هرج و مرج و تأخر و تقهقر گردد " (ص ۹۵ منتخبات توقیعات مبارک)

13 - " بدیهیست مادام که عضوی نتواند مرتباً در جلسات محفل روحانی محلی خویش حضور بهم رساند محال است بتواند وظائف مفروضه خود را ایفاء و مسؤولیت های خویش را بعنوان نماینده جامعه انجام دهد عضویت

محل روحانی محلی حقیقه توأم با الزام و توانائی تماس نزدیک با جریانات امریه محلیه و حضور مرتب در جلسات محل است " (ص ۶۴ نظامات بهائی - ترجمه مصوب)

14 - " راجع باستعفا دادن اعضای محل از عضویت پس از انتخاب فرمودند حق استعفا نداشته و ندارند و تشخیص و قبول عذر از خصائص محافل محلیه است هر نفسی اطاعت نماید از متمرّدین محسوب و از حق انتخاب و عضویت محافل محروم "

(ص ۳۹۳ منتخبات توفیعات مبارک)

15 - " مقتضی میدانم خاطر احباً را بلزوم قبول بلا شرط هر نوع خدمت و وظیفه ای که نمایندگان یا محفل ملی بانان رجوع نمایند متذکر سازم هر گونه امتناع از قبول خدمات مرجوعه را مذموم میدانم شوقی ربانی " (ص ۱۴ نظامات بهائی)